

نظری بر "اجلاس ۱۹ اپریل" در هالند

از پیشینه رواج است وقتی نزاعی در کشوری بر می خیزد که موجب تشنج، حق ستیزی، بروز ظلمت و خشونت و از هم پاشی نظم اجتماعی می گردد، زور گوئی فرادستان را به آئین فرمانروائی، نحوه تحمیل اراده و تعمیل اداره مبدل ساخته جامعه را از رشته های پیوند دهنده آهنگ زنده گی بی نصیب می سازد، خبیران مسئولیت پرور و سیاست گران پیشرو گرد هم می آیند تا به بحث سازنده بنشینند، چاره ای برای علاج مصیبت ها تکاپو کنند و سنگریزه های ریخته را از سر راه بردارند.

بروز و گسترش بحران ناشی از تضاد های اجتماعی در جوامعی که از ثبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی لازم بهره مند اند بر اساس تجارب اندوخته شده عملی در پرتو موازین جامعه شناسی علمی تحلیل و ارزیابی گردیده تدابیر ضروری در جهت رفع ناهنجاری ها برنامه ریزی می شود و به منصفه اجرا در می آید اما در شرایط کنونی افغانستان به دلیل از هم پاشیده گی شیرازه حیات و نبود ابتدائی ترین عناصر ثبات نمی توان این سلسله را به گونه ایکه است پیمود و به انجام کار رسید بلکه زحمت نو آوری فکری، دریافت متود های کارساز و ابتکارات عملی را باید متقبل شد. پس اگر خبره گان و پیشگامان معرکه سیاست افغانی که در قاره ها و کشور های گوناگون دنیا بنا بر ناگزیری مهاجرت متواری اند تکلیف سفر بردوش می کشند، طی طریق می کنند تا گردهم آیند بدون شک نه برای آنکه عطش دیدار با یاران قدیم را فرو نشانند، چند کاستی از جامعه را بر شمارند، موعظه های وفاق و وصال ارزانی کنند و دیگر هیچ. تا کنون هر باری که به چنین گرد هم آئی ها از هالند تا کابل و بازهم

هالند اقدام گردیده است، در آغاز امیدها و انتظارات فراوانی برانگیخته که با تأسف، به قول دوست از آگاهان مسایل سیاسی افغانستان تنها "یک روز و شب خالی" بوده، نتایج ثمر بخشی بار نیاورده است.

گرد هم آئی اخیر هالند که نیمه روزی و نیمه شبی را در بر گرفت انتباه اضافه از آنچه راکه گفته شد نمی دهد. این اجلاس بر پایه گزارش های به نشر رسیده در تارنما های "اخبار افغانستان" و "مشعل" به ابراز نظر های بیشتر کلیشه ای و انعکاس وضع فعلی افغانستان که رسانه های گروهی از آن پر اند بسنده کرده تصامیم مشخص و روشنی مبنی بر اینکه بعد از این چه باید کرد؟ اتخاذ ننمود. گفتنی است که در میان سخنرانان منفرد، تعداد اندکی سخنان بجا و دانسته گفتند و مماشات و فرصت طلبی سیاسی را نکوهش کردند ولی دیگران به بام و شام چنگ زدند و اشعاری نیز خواندند.

وقتی به لوحه طویل و سنگین "اجلاس وسیع نیرو های ملی، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا" نظری افکنده شود تصویر تدبیری را تجلی می دهد که نخبه گان و پیشقراولان سیاست دموکراتیک و مترقی افغانی مجلسی را برپا کرده اند تا در قبال سرنوشت ملت، راه های دستیابی مردم به رفاه و ترقی و استقرار دموکراسی با هم گفتگو کنند و برای بیرونرفت از وضع فاجعه بار حاکم بر کشور چاره ای باندیشند. مگر وقتی حاصل این مجلس به بیرون نفوذ می کند، نه آنست که امیدش می رفت.

از قراین بر می آید که واقعاً افرادی در کمیسیون تدارک و برگزاری اجلاس نامبرده و نیز در جریان کار آن دست فرا داشتند که می خواستند به یاری مجامله، فرمایشات میانتهی و توسل به تزویر، از جمعیت سه چهار صده ای گرد آمده در آن **مجلس فیلم برداری سیاسی نمایند تا در پابوسی قدرت، از دیگر بازیگران دموکرات نمای خادم به مهره های وارداتی از آنسوی اوقیانوس ها یک سرگردن بالا باشند و در**

نمایشاتی که به نام انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در آینده نه چندان بعید صحنه سازی می شوند، به مقام درباری حاکم آینده و لشکریان دور و برش برسند.

اجلاس برگزار شده در شهر اینداوفن هالند اگر از تبارز صمیمیت و دوستی، به آغوش گرفتن و روی همدیگر را بوسیدن که از مشخصات اخلاق پسندیده اجتماعی مردمان خاور زمین بویژه افغانها است و نمی تواند ژست سیاسی باشد گذر شود، شکل یابی غیر قابل کتمان خطوط اندیشه ای متفاوت و در بسا موارد متضاد سیاسی در میان وابستگان چپ دیروز را با وضاحت کامل برجسته ساخت. چنانچه موضعگیری راستگرایانه حزب ملی فعالین صلح که راه رفع بحران را در دود باروت توپخانه آمریکا و انگلیس می بیند و موضعگیری مترقی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و گرایش آن به مواضع چپ دموکراتیک بیانگر روشن اختلافات فکری مسلط بر جریان کار این اجلاس بود. سازماندهنده گان و گرداننده گان اجلاس در کمیسیون تدارک و برگزاری آن درست در محور همین اختلافات می چرخیدند.

تناسب نامتعادل کمیسیون بسود معامله گران و فرصت طلبان موجب گردید تا از یک جانب تلاش هدف مند نیرو های واقع بین برگزارکننده اجلاس در وجود نماینده گان نهضت فراگیر به منظور تشکیل فاروم مشترک نیرو های دموکراتیک، مترقی و چپ به همکاری نهضت آینده افغانستان بجای نشست مورد نظر به نتیجه نرسد و از جانب دیگر همان نشستی که دایر شد نیز بی نتیجه پایان یابد. اکنون برخی عناصر از آن گروه برای تبرئه عمل نادرست خود و فریب دیگران، "اخلالگری" نهضت آینده افغانستان را سبب شکست برنامه تشکیل فاروم مشترک تبلیغ می نمایند.

طبق گزارش تارنمای "مشعل"، اجلاس فیصله نمود "تا نماینده گان احزاب سیاسی در تفاهم با رهبری احزاب شان در مرکز از ۱ تا ۳ تن، نماینده گان گروه ها و حلقات ۱ تا ۲ نفر و از ۱۰ تا ۲۰ تن شخصیت های مستقل که توانائی و صلاحیت کار میان گروه بی شمار میهن پرستان را که تا اکنون با هیچ سازمان سیاسی تماس ندارند به خاطر

کار مشترک و همگانی در راه ایجاد وحدت و همسوئی نیروهای ملی، مترقی و دموکرات طی دو هفته پیشرو برگزینند و از جریان کارشان به همگان آگاهی دهند"، اما واضح نشد که این مامول چگونه تحقق می پذیرد؟

چنین طرح می تواند در ظاهر مبین نیک پنداری و اراده سود مند به نفع جنبش تلقی گردد اما در باطن تلاش های بی ثمری را در جهت وحدت خواهی بدون محاسبه اهداف اندیشه ای و سیاسی بازگو می کند که از شش سال بدینسو در جریان بوده تا اینگاه به نیمه راه هم نرسیده اند. انتظار دیگری، ساده فکری بیش نخواهد بود چونکه اکثر احزاب، سازمان ها و حلقات برخاسته از چپ دیروز بویژه حزب دموکراتیک خلق افغانستان با وجود تکرار مستمر موافقت های شفاهی رهبران البته از روی حیا در برابر همسنگران دیروز، وقتی خود را در حالتی می یابند که باید دست بکار شوند و ثبوت صداقت کنند پروسه را برهم زده به همانجا بر می گردند که آمده اند زیرا تفاوت و تضاد دیدگاه ها و تعهدات سیاسی به مراجع دیگر در مقابل چشمان شان قرار می گیرد که نهایتاً "وحدت و همسوئی نیرو های، ملی، مترقی، دموکرات" و چپ را ناممکن می سازد. اجلاس هالند و عدم صدور اعلامیه یا قطعنامه واحدی از سوی شرکت کننده گان نمونه بارز این واقعیت است.

از تشکل های اشتراک کننده در اجلاس مذکور نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان، کمیته رهبری فعالین ح د خ ا، کمیسیون موقت تفاهم و وحدت اعضای سابق حزب وطن (ح د خ ا) در شهر هامبورگ و برخی شخصیت های مستقل سیاسی در مواضع حمایت یا نزدیک به حمایت از منافع زحمتکشان افغانستان - چپ دموکراتیک قرار دارند در حالیکه بقیه یعنی اکثریت، دارای مواضع راست از میانه تا ارتجاعی اند، بدون شک در صفوف اینها نیز افراد سالم اندیش به کثرت دیده می شوند که متاسفانه در تصمیم گیری های حزبی و سازمانی شان از توان ایفای نقش موثر بهره مند نیستند. پس دانسته نشد که کار کمیسیون یا کمیته "مشترک و همگانی در راه ایجاد وحدت و همسوئی" بشکل کنونی آن چگونه و با کدام اهداف

سازمان خواهد یافت؟ آیا اینگونه تدابیر ادامه وقت تلفی های قبلی نیست؟ آیا بعد از شش سال رایزنی ها و بگو مگوهای بی حاصل وقت آن نرسیده که از در یوزه گری و وحدت طلبی غیر عملی انصراف گردد و کار جدی در راستای تشکل نیرو های واقعاً همسو در اندیشه و اهداف سیاسی به مقصد بیرون آوردن نهضت چپ و دموکراتیک افغانی از حلقه تاثیر سیاست بازی های گمراه کننده و انحرافی تمرکز یابد؟

نهضت آینده افغانستان طرح همسو سازی نیرو های مترقی، چپ و دموکراتیک در گام نخست و ایجاد سازمان چپ واحد از بدنه آن در گام های بعدی را با این باور " که وحدت یک مبارزه طولانیست و نمی شود سایه افتراق بیست ساله را در یک روز یا در یک نشست از فراز جنبش دور ساخت، ولی با اراییه موضع روشن اندیشه ای - سیاسی و پیش کشیدن اصول واقعاً دموکراتیک سازمانی، می شود روند آنرا شتابان ساخت و باید شتابان ساخت - (از نامه سرگشاده نهضت آینده افغانستان، ۱۵ اپریل ۲۰۰۸) " بارها پیشکش نموده است +

امید بخش است که طرز دید استوار و خلل ناپذیر نهضت آینده افغانستان در قبال رستاخیز جنبش چپ و ضرورت حضور فعال آن در زنده گی سیاسی کشور در فعالیت دیگر نیروهای مترقی افغانی متبازر و از حمایت هرچه فراختر آنها برخوردار می گردد چنانچه موضعگیری های همگون نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان با نهضت آینده افغانستان در این اواخر بیان روشن این امر است + در بیانیه نهضت فراگیر "به مثابه یک سازمان میهن پرست و چپ دموکراتیک" در "نخستین اجلاس وسیع نیرو های ملی، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا" آمده است: "همپیوندی و همبستگی با راهبرد یکپارچگی و وحدت کامل اندیشه ای سیاسی و سازمانی خواهد بود و به عبارت دیگر درین صورت امتزاج و ادغام مطرح است + چنین گزینه بیشتر با شاخه ها و بخش های گوناگون بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) و متحدین پیشین آنها امکان پذیر است" + واضح است که این طرح تنها در صورتی امکان اجرائی پیدا می کند که "شاخه ها و بخش های

گوناگون بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان " خور را در موضع چپ دموکراتیک تثبیت نمایند.۰

کافی نخواهد بود اگر مسایل حاد جنبش چپ افغانی مطرح گردند و همانطور در حالت طرح باقی بمانند، باید گامهای عملی و سودمند برداشت و به حرکت در این مسیر ادامه داد تا هدف اصلی یعنی پیدایش سازمان سیاسی سراسری زحمتکشان افغانستان بدست آید.۰ **تدویر نخستین فاروم جنبش چپ دموکراتیک افغانی** در آینده قریب زمینه مناسبی برای گفتمان سالم و سازنده در این رابطه خواهد بود و بر نیروهای دموکراتیک و چپ افغانی است که با سهمگیری فعال شان در آن رویداد با اهمیت، رسالت تاریخی و میهنی خویش را ادا نمایند.۰

24042008

www.ayenda.org